

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۵

شاپای چاپی ۲۵۳۵-۵۹۶۸ شاپای الکترونیکی ۲۵۳۸-۵۹۵۵

<http://jshsp.iurasht.ac.ir>

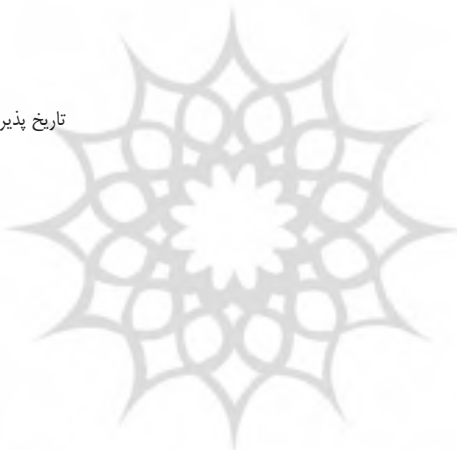
صص. ۱-۱۸

سنجش پایداری اجتماعی محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگلج و ضرابخانه شهر تهران)

کرامت‌اله زیاری - استاد گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
حسین فرهادی خواه^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
محمود آروین - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۶



چکیده

بعد اجتماعی توسعه پایدار به دلیل ماهیت غیر ملموس خود، در مقابل بعد زیست‌محیطی و اقتصادی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین هدف از این پژوهش، ارزیابی و مقایسه شاخص‌های پایداری اجتماعی در سطح محلات سنگلج و ضرابخانه تهران می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی (پرسش‌نامه)، استفاده شده است. در این پژوهش، شاخص‌های امنیت و دسترسی به خدمات به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای مشارکت، تعلق مکانی، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند، جامعه آماری جمعیت محلات سنگلج و ضرابخانه می‌باشد که حجم نمونه مورد مطالعه با سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۲۰ نفر در هر دو محله بوده که در هر محله تعداد ۱۶۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی، توزیع شد. برای تحلیل آن از نرم‌افزار SPSS (آزمون T تک نمونه‌ای، Manova و T با دو نمونه مستقل) استفاده شده است، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در محله ضرابخانه، شاخص‌های تعلق مکانی و مشارکت در سطح مطلوب نیستند، ولی متغیرهای مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی، امنیت و کیفیت دسترسی به خدمات در سطح مطلوب هستند، در محله سنگلج تنها شاخص مشارکت وضعیت مناسبی دارد. در نهایت از لحاظ شاخص‌های پایداری مورد ارزیابی در این پژوهش، بین محله ضرابخانه با میانگین ۳/۴۲ و محله سنگلج با میانگین ۲/۷۵ تفاوت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، محله، تهران

مقدمه

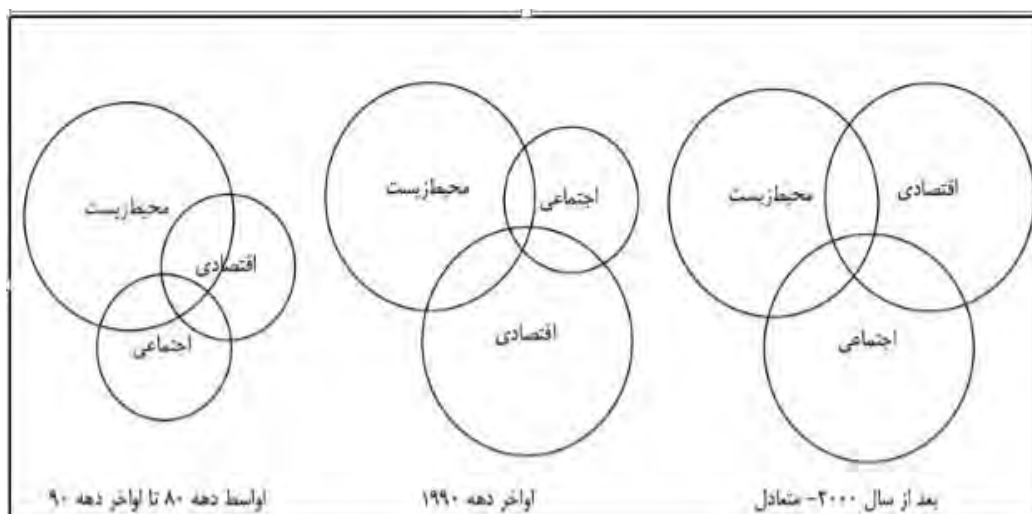
در دهه‌های پایانی قرن بیستم و شروع قرن بیست و یکم، پایداری به عنوان یکی از مباحث مطرح در کلیه عرصه‌ها، به ویژه در عرصه فضاها، شهرها و معماری مطرح بوده است. این موضوع می‌تواند از طریق سه مؤلفه اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی در کنار یکدیگر به تعادل برسد. وجه اقتصادی معمولاً به علت انگیزه‌های مالی و انتفاعی توسط سرمایه‌گذاران رعایت می‌گردد. حتی در اغلب اوقات به حد افراط مورد توجه قرار می‌گیرد و چه بسا مشکلاتی را از این برای سبب می‌شود. مسائل زیست‌محیطی نیز به فراخور هر جامعه برای خود ضوابطی دارد و مورد توجه واقع می‌شود، اما آنچه مغفول واقع شده می‌ماند، وجه اجتماعی توسعه است (Zarghami, 2011:143). یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار همانا پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است (Barron-5: 4 & Gauntlett, 2002). به دلیل اینکه مطالعات گذشته در مباحث پایداری غالباً در مفاهیم اقتصادی و محیطی محدود شده بود؛ اما در سال اخیر، توجه به پایداری اجتماعی به عنوان یکی از اجزای اصلی توسعه پایدار افزایش یافته و به سیاستی پذیرفته شده، سازمانی و نهادی درون دستورالعمل توسعه پایدار تبدیل شده است (European Institute for Urban Saffeir, 2007). در دو دهه اخیر مفهوم پایداری اجتماعی به یکی از مدل‌های جدید توسعه در آمده و با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی توسعه ترکیب شده است. مؤلفه‌هایی که آن‌ها را (ابعاد) و یا (پایه‌های) توسعه پایدار می‌نامند و محققان اجتماع محلی هر کدام از منظر خود به میزان متفاوتی به آن توجه کرده‌اند. در حقیقت مباحث مربوط به توسعه پایدار، در ابتدا صرفاً معطوف به مسایل محیط‌زیست بود و پس از آن توجه به مسایل اقتصادی نیز در آن گنجانده شد. در اواخر دهه‌های ۱۹۹۰ بود که موضوعات اجتماعی در دستور کار مباحث مربوط به (پایداری) مورد توجه قرار گرفت؛ به ویژه پس از تدوین دستور کار ۲۱ (توسط UNCED در سال ۱۹۹۲) تدوین استراتژی اتحادیه اروپا در لیسبون در سال ۲۰۰۰ (معروف به EC۲۰۰۰) و در جلسه شورای اروپا در شهر گوتنبرگ در سال ۲۰۰۱ (معروف به EC۲۰۰۱) (Colantonio, 2012: 2). نیکولا دمپسی و همکاران (2011) در تحقیقی با عنوان ابعاد اجتماعی توسعه پایدار: تعریفی از پایداری اجتماعی شهری، به بررسی ابعاد گسترده استفاده از الگوی توسعه پایدار در برنامه‌ریزی مسکن و سیاست‌های شهری در انگلستان پرداخته و نیز بیان می‌کند که بحث در مورد پایداری تنها پایداری زیست‌محیطی را شامل نمی‌شود، بلکه ترکیبی از ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز می‌باشد. بنابراین در این مقاله به بررسی و تعریف مفهوم پایداری اجتماعی در ارتباط با بافت شهر پرداخته شده است (Dempsey et al, 2011). مارکتا کیتا و همکاران (2015)، به این نتیجه رسیدند که محلات شهری فشرده بهتر از ویژگی‌های پایداری اجتماعی حمایت می‌کنند و طبق بررسی آن‌ها زندگی ساکنان ناحیه هلیسکی فنلاند از نظر کیفیت اجتماعی، کیفیت محیط شهری و ... بهتر از محله‌های حومه می‌باشند (Kytta & et al, 2015:18). در ادامه روند مطالعات خارجی در ایران نیز، این مقوله طی چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است، از جمله؛ سربابی و دیگران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی پایداری اجتماعی شهر جهرم" به ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در شهر جهرم پرداختند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تعامل اجتماعی و تعلق مکانی با پایداری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. جمعه‌پور و دیگران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه تراکم و پایداری اجتماعی در مناطق شهرداری تهران پرداختند که نتایج این پژوهش ظاهراً به نقض دیدگاه‌های شهر متراکم همراه گردید، زیرا در مجموع اثبات گردید که افزایش تراکم با تشدید ناپایداری اجتماعی همراه بوده و این ناپایداری‌ها از نوع برخورداری رفاهی و فرهنگی بوده است. سربابی و همکاران (۱۳۸۹). در مطالعه‌ای تحت عنوان "ارزیابی و سنجش سطح پایداری توسعه محلات شهر بابل" با این نتیجه رسیده‌اند که مسئولان شهری باید سیاست‌گذاری‌های خویش را متوجه محلات کمتر توسعه‌یافته، نمایند تا شکاف موجود را برای رسیدن به برابری اجتماعی پر و سطح کیفیت زندگی را ارتقاء دهند. پورطاهری و دیگران (۱۳۸۸)، در مقاله تحت عنوان "سنجش و اولیت بندی پایداری اجتماعی با استفاده از تکنیک

رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل فازی؛ مطالعه موردی: دهستان حومه مرکزی شهرستان خدابنده" ضمن تبیین مفهوم پایداری اجتماعی، به طراحی الگویی شفاف در جهت شاخص سازی پایداری اجتماعی با رویکرد شاخص‌های کیفی و ذهنی پردازد و از طریق ارائه مدل تاپسیس فازی، به رتبه‌بندی سکونتگاه‌های روستایی در منطقه مورد مطالعه پرداخت. به طور کلی در پایداری اجتماعی، منابع باید به گونه‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرند که نسل‌های آتی نیز قابلیت تصمیم‌گیری برای تأمین نیازهای خود را با بهترین سطح رضایت داشته باشند. در این تعریف سیاست برنده - برنده مورد تأکید تصمیم‌گیران باهدف دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی مورد نظر است (Martin, 2001: 4). شرایط پایداری اجتماعی که مؤلفه‌های اصلی آن در رفاه، برابری، امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی تجلی می‌یابد، در مناطق شهری کلان‌شهر تهران که با مشکلات متعددی از قبیل آلودگی هوا، آلودگی صوتی، مشکلات ترافیکی، کمبود مسکن، کمبود خدمات، سرانه‌ها، تأسیسات و تجهیزات شهری، فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی و غیره مواجه است (Taimouri et al, 2012: 20). مناسب نیست. علاوه بر این شرایط مناطق مختلف تهران از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی دارای تفاوت‌های بارزی است (Meshkini et al, 2013: 203). با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش قصد دارد به ارزیابی و مقایسه پایداری اجتماعی بین محله‌های سنگلج (منطقه ۱۲) و ضرابخانه (منطقه ۴) تهران پردازد. در این میان مهمترین اهداف پژوهش حاضر؛ ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در سطح محله (در این تحقیق محله ضرابخانه و سنگلج تهران)، بررسی تأثیر متغیرها مستقل (امنیت و دسترسی به خدمات) بر متغیرهای وابسته (مشارکت، مسئولیت‌پذیری، تعلق مکانی و اعتماد اجتماعی) و مقایسه تطبیقی بین دو محله مذکور به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی می‌باشد. جهت دستیابی به اهداف مذکور، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: شاخص‌های پایداری اجتماعی در دو محله ضرابخانه و سنگلج در وضعیت مناسبی قرار دارند.

فرضیه دوم: کیفیت دسترسی به خدمات و امنیت بر متغیرهای تعلق مکانی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی و مشارکت در دو محله تأثیر می‌گذارند.

فرضیه سوم: به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی، بین دو محله ضرابخانه و سنگلج تفاوت معناداری وجود دارد. توسعه پایدار، رویکردی جامع به بهبود بخشی کیفیت زندگی انسان‌ها در جهت تحقق رفاه اقتصادی، اجتماعی و محیطی سکونتگاه‌های انسانی است (Torjman, 2000: 2). این توافق کلی وجود دارد که سیاست‌گذاران مباحث توسعه پایدار، ابعاد مختلف این مفهوم را به طور یکسان اولویت‌بندی نکرده‌اند (Smith, 1995). همان طور که در شکل (۱) دیده می‌شود؛ در ابتدا مسایل اقتصادی و محیط‌زیست در مباحث توسعه پایدار غلبه داشتند. درحالی‌که موضوعات اجتماعی از اواخر سال‌های ۱۹۹۰ بود که در دستور کار مباحث توسعه پایدار قرار گرفت. دلیل اصلی آن این بود که توسعه پایدار از طریق ترکیب جنبش‌های محیط‌زیست در سال‌های ۱۹۶۰ و ترویج دیدگاه (نیازهای اولیه) انسان در سال‌های ۱۹۷۰ به وجود آمد؛ اما از آن جایی که سنجش ابعاد اجتماعی توسعه با مشکل اندازه‌گیری مواجه بود، نوشته‌ها و بررسی‌های اندکی وجود دارد که بر پایداری اجتماعی متمرکز شده باشد تا حدی که خلأ مطالعه جامع در این مورد هنوز احساس می‌شود (Colantonio, 2012: 3).



شکل ۱. ابعاد مختلف توسعه پایدار و اهمیت نسبی آن (source: Colantonio, 2012: 3)

پایداری اجتماعی

بعد اجتماعی پایداری (در مقایسه با ابعاد اقتصادی و محیطی توسعه پایدار) بیشتر موضوع مباحث نظری است و در زمینه سیاست‌گذاری توسعه و برنامه‌های عملی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. عمده‌ترین تمرکز دیدگاه‌های نظری نیز پیرامون دیدگاه‌های فلسفی و سیاسی، حقوق بشر، رفاه، برابری و عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی است (Woodcraft, 2012: 29). جای تعجب نیست که تعریف پایه‌ای منحصر به فردی برای پایداری اجتماعی وجود ندارد و تعاریفی که موجود می‌باشند، بر اساس معیارهای مختص به رشته یا زاویه مطالعاتی می‌باشند و کلی نیستند (Nasiri, 2014: 14). یک تعریف قوی از پایداری اجتماعی باید بر پایه ارزش‌هایی از برابری و دموکراسی باشد؛ این بدین معناست که باید به لحاظ حقوقی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کیفیت جوامع تأثیر بگذارد (Sachs, 1999: 27). پایداری اجتماعی: کاهش تنش اجتماعی، شیوه سازمان‌دهی سازگار با شرایط اجتماعی، برابری برای ناتوان، زنان و گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی، حقوق انسانی، آموزش و آگاهی‌های زیست‌محیطی، بهداشت و درمان و سرپناه مناسب برای همه، ترویج نقش خانواده و اجتماعات حقوق سیاسی و مشارکت و ترویج ارزش‌های اجتماعی از محورهای اساسی این بعد از توسعه پایدار شهر است (Nancy, 2001: 381-404). پایداری اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ و نگهداری ابزارهای ضروری ایجاد ثروت و رفاه و مشارکت اجتماعی و از سوی دیگر، به عنوان یک مفهوم به دنبال حفظ ثبات مؤلفه‌های اجتماعی برای گسترش یکپارچگی و انسجام اشاره می‌کند. به طور کلی دغدغه اصلی دولت رسیدن به توسعه همه جانبه است و مبنای این توسعه، انسان است که زیربنای توسعه حقیقی و پایدار است که اهمیت توجه به بعد اجتماعی توسعه پایدار را نمایان می‌سازد (Meshkini et al, 2013: 208). بدین ترتیب، پایداری اجتماعی، شامل طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی، وجود تعامل میان ساکنان یک محله، وجود مشارکت میان نهادهای رسمی و غیررسمی محلی، ثبات نسبی در جامعه که هر دو گروه ساکنان و غیر ساکنان را در بر می‌گیرد و وجود سطحی از اعتماد در جامعه که حس مثبتی از هویت و غرور را در جامعه ایجاد می‌کند (Dempsey, 2012: 94). در نهایت، می‌توان گفت که تلاش‌های کمی برای تعریف پایداری اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد مستقل توسعه پایدار انجام شده است. علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که توافقی در مورد معیارها و دورنمایی که باید برای تعدیل و انطباق تعریف پایداری اجتماعی انجام شود، وجود ندارد. هر یک از محققان و سیاست‌گذاران، با توجه به معیارهای خود از یک رشته یا یک چشم‌انداز خاص، تعریفی از آن ارائه کرده‌اند (Colantonio, 2012: 3).

محله

در نوشتارهای جهانی تعاریف متعددی برای محله ارائه شده است. تعریف کلی محله به این صورت است: محله مسکونی، کوچک‌ترین ناحیه برای برنامه‌ریزی است که ساکنان آن دارای تسهیلات عمومی و نهادهای اجتماعی مشترک‌اند و در آن به صورت پیاده‌رفت و آمد می‌کنند (Davidson, 2007:280). به نظر می‌رسد در مفهوم سنتی، محله قسمتی از شهر است که ساکنین آن بر اساس اشتراکاتی همچون اشتراک زبانی، قومی، دینی، مذهبی، صنفی و پیشه‌ای گرد هم آمده و اجتماعی منسجم و همگن را تشکیل می‌دهند، محله‌های سنتی به لحاظ عملکردی از استقلال نسبی برخوردار بودند؛ اما در مفهوم امروزی محله‌های شهری، اشتراکات مذکور تا حدود زیادی اهمیت خود را از دست داده و اشتراک در توان مالی و در مورد محله‌های مساکن کارمندی، اشتراک شغلی، باعث همجواری و نه همسایگی ساکنین می‌گردد. در چنین محله‌هایی به دلیل فقدان اشتراکات عمیق و ریشه‌دار میان ساکنین، احساس تعلق مکانی و انسجام اجتماعی بسیار ضعیف بوده و تضمینی برای سکونت طولانی مدت ساکنین در محله وجود ندارد (Rahnamei et al, 2009: 24). در فرهنگ جغرافیای انسانی، محله به عنوان بخشی از یک ناحیه شهری است که در آن روابط چهره به چهره حاکم است. محله یک اجتماع محدودشده از نظر فضایی است که اغلب افراد غیر محلی آن را سریع‌تر از ساکنانش درک می‌کنند (Johnston & et al, 2001) محله قدیمی‌ترین و شناخته‌ترین بخش از تقسیمات شهری محسوب می‌شود که تأمین‌کننده زندگی نیمه عمومی ساکنین شهر می‌باشد (Ziari et al, 2010: 61). در ایران، در یکی از تعاریف، محله به صورت کالبد سکونت ۱۲۵۰-۷۰۰ خانوار (در حدود ۶۲۵۰-۳۵۰۰ نفر) با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) تعریف می‌شود. همچنین، محله دارای عناصر اصلی است که در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این عناصر در دو سطح عناصر شاخص (نظیر مدرسه ابتدایی و مسجد) و عناصر توزیعی (نظیر مراکز تجاری روزانه-هفتگی، پارک محله‌ای، مکان‌های ورزشی و واحدهای بهداشتی)، استخوان‌بندی محله را تشکیل می‌دهند (Habibi & masaeli, 2009: 13).

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی می‌باشد و روش آن توصیفی - تحلیلی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی (پرسش‌نامه) استفاده شده است. محدوده مورد مطالعه آن محله سنگلج از منطقه ۱۲ و محله ضرابخانه از منطقه ۴ تهران می‌باشد. محله سنگلج از محلات قدیمی، تاریخی و دارای بافت فرسوده و نامنظم می‌باشد که در مرکز تهران واقع شده است. ولی محله ضرابخانه دارای بافت منظم و جزء محلات جدید تهران می‌باشد که در شمال تهران واقع شده است. با توجه به متفاوت بودن این دو محله از نظر تاریخی، موقعیت جغرافیایی، بافت کالبدی و ابعاد اجتماعی-اقتصادی، هدف اصلی این پژوهش این است که آیا از نظر شاخص‌های پایداری اجتماعی تفاوت معناداری بین این دو محله وجود دارد یا خیر؟. جهت تحقق هدف پژوهش فرضیه‌هایی به صورت زیر طرح گردید:

جامعه آماری جمعیت محلات می‌باشد محله ضرابخانه و سنگلج به ترتیب دارای ۲۷۵۸۱ و ۲۵۰۰۰ نفر می‌باشند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد در هر دو محله ۳۲۰ نفر به دست آمد که با توجه هم اندازه بودن جمعیت هر دو محله، به تعداد مساوی تعداد ۱۶۰ پرسش‌نامه در سطح هر محله به صورت تصادفی بین ساکنین محله توزیع گردید. ابتدا با مطالعه منابع مختلف به استخراج شاخص‌ها برای پایداری اقدام شد و سپس پرسش‌نامه بعد از تدوین در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفته و بعد از تأیید آن‌ها در محل توزیع شد. برای تعیین روایی و پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است که سطح پایایی پرسش‌نامه در محله ضرابخانه ۰/۸۸۰؛ و در محله سنگلج ۰/۷۶۰ بوده است؛ و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون Manova و آزمون T با دو نمونه مستقل در

نرم‌افزار SPSS ۲۱ استفاده شده است. شاخص‌ها و گویه‌ها مورد استفاده در این پژوهش که به صورت تلفیقی از مشکینی و دیگران (۱۳۹۳)، کول آنتونیو (۱۳۹۱)، جمعه‌پور و دیگران (۱۳۹۲)، سرایی و دیگران (۱۳۹۲)، سرایی و دیگران (۱۳۸۹)، تیموری و دیگران (۱۳۸۹)، پورطاهری و دیگران (۱۳۸۹) و منابع در دسترس دیگر برداشت شده‌اند، در جدول (۱) آورده شده‌اند.

جدول ۱. شاخص‌ها و گویه‌های مورد استفاده در پژوهش

مؤلفه	شاخص‌ها	گویه‌ها
پایداری اجتماعی	مشارکت	مشارکت در نهادهای قرض‌الحسنه، مشارکت در هیئت‌های مذهبی، مشارکت در نهادهای خیریه، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها محله، مشارکت در انجام پروژه‌های محله‌ای، شرکت در انتخابات محلی، شرکت در انتخابات محلی به عنوان نامزد انتخاباتی و...
	امنیت	احساس امنیت زنان و کودکان، احساس امنیت در شب، احساس امنیت برای ترک خانه (خانه امنیت خانه (احساس رضایت از تأمین نیروی انتظامی، احساس ناامنی از حضور افراد بیگانه در محله، احساس امنیت از خلوتی یا شلوغی محله، تأثیر روشنایی بر احساس امنیت، تأثیر بافت محله در احساس امنیت
	تعلق مکانی	رضایت از زندگی در محله، افتخار به محله، ترک محله در صورت بهبود زندگی، ترجیح زندگی این محله به محلات دیگر، احساس مسئولیت در قبال هم محله، تمایل به ادامه زندگی فرزندان در این محله
	اعتماد اجتماعی	اعتماد به هم محله‌ای‌ها، اعتماد به نهادهای دولتی در محله، تمایل به رابطه خویشاوندی در محله، روابط صمیمی با هم محله‌ای، واگذاری بعضی از کارها به هم محله‌ای، درخواست کمک از هم محله‌ای در صورت لزوم، کمک به هم محله‌ای در صورت درخواست
	مسئولیت پذیری	احساس مسئولیت در قبال هم محله‌ای، گزارش مشکلات محله به مسئولان، رفع مشکل در صورت توان، کمک به شهرداری برای حفظ بهداشت محله، جلوگیری از وندالیسم شهری در محله، کمک به هم محله در صورت نیاز
	کیفیت دسترسی به خدمات	رضایت از دسترسی به خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی، تفریحی، مذهبی، خدمات اضطراری، حمل‌ونقل عمومی، مکان‌های خرید، خدمات شهرداری

محدوده مورد مطالعه

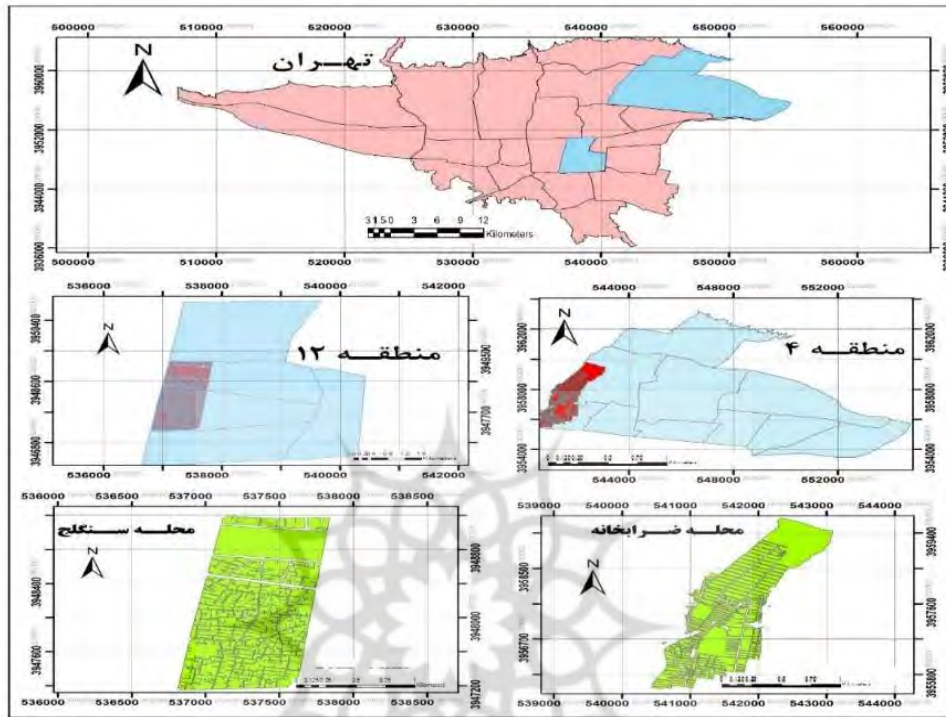
محله ضرابخانه

این محله در ناحیه ۳، منطقه ۴ شهر تهران قرار دارد. محدوده محله ضرابخانه در تقسیمات جدید و با ادغام دو محله قدیمی ضرابخانه و پاسداران مشخص شد. به این ترتیب که از شمال به بزرگراه بابایی، از جنوب به بزرگراه شهید زین‌الدین، از شرق به بزرگراه شهید صیاد شیرازی و از سمت غرب به خیابان پاسداران منتهی می‌شود. ضرابخانه از کهن‌ترین آبادی‌های اطراف تهران قدیم بوده است. محله ضرابخانه و پاسداران در حال حاضر ۳۹۴۳۶۵۱ مترمربع وسعت دارد. که در حال حاضر (۱۳۹۴) دارای ۲۷۵۸۱ نفر جمعیت، ۱۲۹۱۵ خانم و ۱۴۶۶ آقا و ۵۹۲۶ خانوار می‌باشد (www.region4.tehran.ir).

محله سنگلج

محله سنگلج در ناحیه ۳، منطقه ۱۳ قرار دارد. این محله با مساحتی بیش از ۱۰۳ هکتار است. این محله از شمال به خیابان ۱۵ خرداد، از جنوب به خیابان مولوی، از شرق به خیابان خیام و از غرب به خیابان وحدت اسلامی محدود می‌شود (Bavand engineers consulting, 2007). این محله کهن در پی تحولات دهه‌های اخیر، شاکله اصلی خود را

حفظ کرده ولی کارایی خود را بر اساس الزامات زمانه آن چنان که باشد پیش نبرده است. به طوری که کیفیت سکونت در آن به علت استحکام بنا، دسترسی‌های نامناسب و عمدتاً بسیار باریک و ناکارآمد، پایین بودن سرانه خدماتی در داخل محله و مواردی از این دست بسیار کاهش یافته است (فروزنده، ۱۳۹۲: ۴)؛ که دارای در حال حاضر (۱۳۹۴) جمعیت آن ۲۵۰۰۰ نفر، ۱۲۷۰۰ مرد، ۱۲۳۰۰ زن و ۴۵۰ خانوار می‌باشد (www.region12.tehran.ir).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

با توجه به پرسش‌نامه‌های توزیع شده در محله ضرابخانه مشخصات پاسخ دهندگان بدین صورت بوده است که از نظر جنسیت ۶۸/۸ درصد پاسخ‌گویان را مردان و ۳۱/۲ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. سن؛ ۴۰/۶ بین ۱۶ تا ۳۰ سال، ۲۵ درصد بین ۳۱ تا ۴۵ سال، ۲۱/۹ بین ۴۶ تا ۶۰ سال و ۱۲/۵ بالاتر از ۶۰ سن داشته‌اند. تحصیلات؛ ۳۱/۳ درصد دیپلم و زیر دیپلم، ۴۰/۶ لیسانس و ۲۸/۱ درصد هم دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر هستند.

ویژگی‌های پاسخ‌گویان در محله سنگلج نیز بدین گونه بدست آمده که در از نظر جنسیت؛ ۶۶/۹ پاسخ‌گویان مرد و ۳۳/۱ نیز زن بودند. سن؛ ۵۳/۸ بین ۱۶ تا ۳۰ سال، ۲۳/۱ بین ۳۱ تا ۴۵ سال، ۸/۱ بین ۴۶ تا ۶۰ سال و ۱۵ درصد بیشتر از ۶۰ سال سن داشته‌اند. تحصیلات؛ ۴۸/۲ درصد دیپلم و زیر دیپلم، ۴۶/۳ درصد لیسانس و ۵/۶ درصد نیز دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

به منظور بررسی فرضیه اول تحقیق مبنی بر مناسب بودن شاخص‌های پایداری اجتماعی از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است نتایج این آزمون در بررسی وضعیت شاخص‌های پایداری اجتماعی در محله ضرابخانه در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. آزمون T تک نمونه در محله ضرابخانه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آمار آزمون T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت در سطح ۰/۹۵ فاصله اطمینان	
								پایین‌ترین	بالاترین
مشارکت	۱۶۰	۲/۳۲۵۰	۱/۲۶۱۶۸	۰/۰۹۹۷۴	-۶/۷۶۷	۱۵۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۲۷۱	-/۴۷۸۰
مسئولیت‌پذیری	۱۶۰	۳/۷۰۶۳	۰/۷۴۸۹۸	۰/۷۴۸۹۸	۹۲۸/۱۱	۱۵۹	۰/۰۰۰	۰/۵۸۹۳	/۸۲۳۲
تعلق مکانی	۱۶۰	۲/۷۳۵۳	۰/۹۴۱۶۸	۰/۹۴۱۶۸	-۳/۵۲۶	۱۵۹	۰/۰۰۱	-۰/۲۶۲۵۰	-/۱۱۵۰
اعتماد اجتماعی	۱۶۰	۳/۱۰۰۰	۱/۱۰۵۹۲۵	۱/۰۵۹۲۵	۱/۱۹۴	۱۵۹	۰/۰۰۵	۰/۱۰۰۰۰	/۲۶۵۴

بر اساس داده‌های جدول (۲) سطح معناداری تمام متغیرهای پایداری اجتماعی در محله ضرابخانه کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. متغیرهای مشارکت به میزان ۰/۶۷۵۰۰- تعلق مکانی به میزان ۰/۲۶۲۵۰- از حد متوسط میانگین کمتر می‌باشد و متغیرهای مسئولیت‌پذیری به میزان ۰/۵۸۹۳ اعتماد اجتماعی ۰/۱۰۰۰۰ و بالاتر از حد متوسط میانگین می‌باشد. این گونه می‌توان تفسیر کرد که در محله ضرابخانه شاخص‌های پایداری اجتماعی (مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی) دارای شرایط مطلوبی نمی‌باشد و مشارکت و تعلق مکانی دارای وضعیت مناسبی در محله می‌باشد.

از متغیرها و عوامل مهمی که می‌تواند برای افزایش سطح پایداری اجتماعی در محلات تأثیرگذار باشد احساس رضایت از دسترسی به خدمات و احساس امنیت می‌باشد جهت بررسی این عوامل سؤال‌هایی در پرسش‌نامه طرح گردید و با استفاده آزمون T تک نمونه‌ای سطح این دو متغیر از نظر شهروندان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در جدول (۳) ذکر گردیده است. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که در محله ضرابخانه سطح معنی‌داری متغیرهای کیفیت دسترسی به خدمات و امنیت کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و میانگین دو متغیر به ترتیب ۱/۰۱۲۵ و ۰/۵۸۹۳ از میانگین (۳) بالاتر می‌باشد، بدین معنی که در ساکنان محله ضرابخانه از کیفیت دسترسی به خدمات احساس رضایت دارند و همچنین احساس امنیت در محله مناسب می‌باشد.

جدول ۳. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای جهت بررسی متغیرهای دسترسی به خدمات و احساس امنیت در محله ضرابخانه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آمار آزمون T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت در سطح ۰/۹۵ درصد فاصله اطمینان	
								پایین‌ترین	بالاترین
کیفیت دسترسی به خدمات	۱۶۰	۴/۰۱۲۵	۰/۲۹۳۶۰۱	۰/۱۰۱۴۸	۹/۹۸۷	۵۹۱	۰/۰۰۰	۱/۰۱۲۵۰	۰/۸۱۲۱
امنیت	۱۶۰	۳/۷۰۶۳	۰/۷۴۸۹۸	۰/۰۵۹۲۱	۱۱/۹۲۸	۵۹۱	۰/۰۰۰	۰/۵۸۹۳	-/۸۲۳۲

با توجه به اینکه هدف این پژوهش مقایسه سطح پایداری در دو محله ضرابخانه و سنگلج می‌باشد پرسش‌نامه تهیه‌شده در محله سنگلج توزیع گردید و همانند بررسی شاخص‌های محله ضرابخانه از آزمون T تک نمونه‌ای جهت برآورد سطح پایداری در محله سنگلج استفاده گردید. نتایج بررسی در جدول ۴ آمده است. بر اساس جدول (۴) سطح معناداری تمام متغیرهای پایداری اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. در این محله تنها متغیر مشارکت با ۰/۱۷۵۰۰ از میانگین (۳) بالاتر

است، بنابراین در وضعیت مناسبی قرار دارد و شاخص‌های مسئولیت‌پذیری $-/۴۸۳۷۵$ ، تعلق مکانی $-/۲۶۲۵۰$ و اعتماد اجتماعی $-/۱۴۳۷۵$ از حد میانگین (۳) پایین تر می‌باشند، بنابراین در وضعیت مناسبی قرار ندارند.

جدول ۴. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای در محله سنگلج

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آمار آزمون T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت در سطح $+/۹۵$ فاصله اطمینان	
								پایین ترین	بالا ترین
مشارکت	۱۶۰	۳/۱۷۵۰	۱/۱۱۳۳۸	۰/۰۸۸۰۲	۱/۹۸۸	۱۵۹	۰/۰۴۹	۰/۱۷۵۰	۰/۰۰۱۲
مسئولیت‌پذیری	۱۶۰	۲/۵۰۶۳	۱/۱۳۸۲۳	۰/۰۸۹۹۸	-۵/۴۷۸	۱۵۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۹۳۷	-۰/۹۷۱۵
تعلق مکانی	۱۶۰	۲/۷۳۷۵	۰/۹۴۱۶۱	۰/۰۷۴۴۴	-۳/۵۲۶	۱۵۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۲۵	-۰/۴۰۹۵
اعتماد اجتماعی	۱۶۰	۲/۸۵۶۳	۰/۸۶۶۱۶	۰/۰۷۰۸۵	-۲/۰۲۹	۱۵۹	۰/۰۴۴	-۰/۱۴۳۷	-۰/۲۸۳۷

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد، در محله سنگلج سطح معنی‌داری متغیرهای کیفیت دسترسی به خدمات و امنیت کمتر از $+/۰۵$ می‌باشد و میانگین دو متغیر به ترتیب $-/۱۳۷۵$ و $-/۴۵۶۲۵$ از میانگین (۳) پایین تر می‌باشند، بدین معنی که در ساکنان محله سنگلج از کیفیت دسترسی به خدمات احساس رضایت ندارند و همچنین احساس امنیت در محله مناسب نمی‌باشد.

جدول ۵. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای جهت بررسی متغیرهای دسترسی به خدمات و احساس امنیت در محله سنگلج

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آمار آزمون T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت در سطح $+/۹۵$ فاصله اطمینان	
								پایین ترین	بالا ترین
کیفیت دسترسی به خدمات	۱۶۰	۲/۸۶۲۵	۰/۸۱۰۱۳۱	۱۴/۳۱۰	-۰/۹۶۱	۵۹۱	۰/۰۰۵	-۱/۳۷۵۰	-۶/۱۲۳
امنیت	۱۶۰	۲/۵۴۳۸	۱۲/۰۶۹۱	۰/۰۸۸۶۰	-۵/۱۵۰۵	۵۹۱	۰/۰۰۰	-۴/۵۶۲۴	-۶/۱۲۳

کیفیت دسترسی به خدمات از اصول مهم در برنامه‌ریزی شهری می‌باشد که عواملی مانند دسترسی سریع، توجه به سایر اقشار در ارائه خدمات، ویژگی‌های بومی و اقلیمی، توجه به حجم جمعیت و... این متغیر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. احساس امنیت از متغیرهایی است که از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد که از این عوامل می‌توان به ویژگی‌های کالبدی مانند بافت نامنظم، ساختمان‌های فرسوده و دسترسی نامناسب و کوچه‌های بن بست و ویژگی‌های اجتماعی ساکنان مانند سطح تحصیلات و سطح سواد و ناهنجاری‌های اجتماعی اشاره کرد. این دو متغیر از مؤلفه‌هایی هستند که بر بسیاری از متغیرهای مانند مشارکت مردم در مدیریت شهری، پرداخت عوارض شهرداری، بهداشت و تمیزی محله به طور کلی پایداری اجتماعی تأثیر می‌گذارند که در این پژوهش سعی شده است تأثیر این دو متغیر را بر پایداری اجتماعی در دو محله ضرابخانه و سنگلج بررسی گردد.

در ادامه به منظور بررسی اثرات متغیرهای کیفیت دسترسی به خدمات و احساس امنیت بر متغیرهای پایداری اجتماعی (تعلق مکانی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی و مشارکت) در دو محله از آزمون مانووا که نوعی تحلیل رگرسیون و تحلیل واریانس از چندین متغیر وابسته بر اساس یک یا چند متغیر عامل می باشد در این آزمون‌های چند متغیره (اثر پیلای، لاندای ویکلز، اثر هتلینگ و آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی (Roy's largest root) جهت معنی‌داری اثر هر متغیر مستقل را نشان می‌دهد. برای تفسیر معنی‌داری این ۴ آزمون باید به مقدار sig توجه کرد. بر اساس این مقدار هرگاه سطح معنی‌داری اثر مورد آزمون کوچک تر از ۰/۰۵ باشد در آن صورت می‌توانیم نتیجه بگیریم که آن اثر معنی‌دار است. نتایج این آزمون در بررسی اثرات متغیرهای مذکور در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون مانووا در محله ضرابخانه

متغیر	آزمون	مقدار	درجه آزادی اشتباه	درجه آزادی فرضیه	F	سطح معناداری
امنیت	آزمون اثر پیلایی	۰/۱۴۳	۴۲۶/۰۰۰	۱۲/۰۰۰	۱/۷۷۹	۰/۰۴۹
	لامبدای ویکلز	۰/۸۶۲	۳۷۰/۶۹۷	۱۲/۰۰۰	۱/۷۸۳	۰/۰۴۹
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۱۵۴	۴۱۶/۰۰۰	۱۲/۰۰۰	۱/۷۸۰	۰/۰۴۹
	آزمون بیشترین ریشه روی	۰/۰۹۷	۱۴۲/۰۰۰	۴/۰۰۰	۳/۴۴۹	۰/۰۱۰
کیفیت دسترسی	آزمون اثر پیلایی	۰/۴۷۱	۵۷۲/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۴/۷۷۳	۰/۰۰۰
	لامبدای ویکلز	۰/۵۵۱	۴۲۸/۳۵۴	۱۶/۰۰۰	۵/۵۷۵	۰/۰۰۰
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۷۷۷	۵۵۴/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۶/۷۲۴	۰/۰۰۰
	آزمون بیشترین ریشه روی	۰/۷۲۲	۱۴۳/۰۰۰	۴/۰۰۰	۲۵/۵۲۹	۰۰۰۱
امنیت * کیفیت دسترسی	آزمون اثر پیلایی	۰/۲۰۴	۵۷۲/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۰/۸۵۲	۰/۷۱۶
	لامبدای ویکلز	۰/۸۱۰	۵۲۶/۳۸۲	۳۶/۰۰۰	۰/۸۴۸	۰/۷۲۲
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۲۱۹	۵۵۴/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۰/۸۴۴	۰/۷۲۸
	آزمون بیشترین ریشه روی	۰/۱۰۶	۱۴۳/۰۰۰	۹/۰۰۰	۱/۶۸۳	۰/۰۹۸

بر اساس نتیجه جدول فوق در مورد متغیر مستقل (کیفیت دسترسی به خدمات) ملاحظه می‌گردد که مقادیر F در هر ۴ آزمون در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار هستند. همچنین در مورد متغیر مستقل (امنیت) سطوح خطای کمتر از ۰/۰۵ در مورد هر ۴ آزمون اثر این متغیر معنی‌دار می‌باشد. نتیجه دیگر جدول (۶) معنی‌داری اثر متقابل و به عبارتی تأثیر همزمان دو متغیر کیفیت دسترسی و امنیت بر چهار متغیر تعلق مکانی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی و مشارکت است. نتیجه جدول در ردیف آخر با عنوان کیفیت دسترسی و امنیت نشان می‌دهد مقدار آماره F در هر مورد آزمون در سطح خطای بیشتر معنی‌دار نمی‌باشد یعنی دو متغیر کیفیت دسترسی و امنیت به صورت یکجا نقش نداشته و اثر معنی‌داری بر میزان تعلق مکانی، مسئولیت‌پذیری، اعتماد اجتماعی و مشارکت ندارند. جهت بررسی تأثیر دو متغیر مستقل (کیفیت دسترسی و امنیت) بر ۴ متغیر وابسته (مشارکت، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تعلق مکانی) در محله سنگلج، نیز از آزمون مانووا استفاده شده است که در جدول (۸) آورده شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون مانووا در محله سنگلج

متغیر	آزمون	مقدار	درجه آزادی اشتباه	درجه آزادی فرضیه	F	سطح معناداری
امنیت	آزمون اثر پیلایی	۰/۴۸۲	۵۶۸/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۴/۸۶۳	۰/۰۰۰
	لامبدای ویکلز	۰/۵۷۹	۴۲۵/۲۹۰	۱۶/۰۰۰	۵/۲۱۳	۰/۰۰۰
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۶۲۵	۵۵۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۵/۳۷۳	۰/۰۰۰
	آزمون بیشترین ریشه روی	۰/۳۳۹	۱۴۲/۰۰۰	۴/۰۰۰	۱۲/۰۴۹	۰/۰۰۰
کیفیت دسترسی	آزمون اثر پیلایی	۰/۳۱۸	۵۶۸/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۳/۰۶۹	۰/۰۰۰
	لامبدای ویکلز	۰/۷۰۹	۴۲۵/۲۹۰	۱۶/۰۰۰	۳/۱۶۱	۰/۰۰۰
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۳۷۲	۵۵۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۳/۱۹۳	۰/۰۰۰
	آزمون بیشترین ریشه روی	۰/۲۲۷	۱۴۲/۰۰۰	۴/۰۰۰	۸/۰۶۵	۰/۰۰۰
امنیت * کیفیت دسترسی	آزمون اثر پیلایی	۰/۲۸۹	۵۶۸/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۱/۲۳۰	۰/۱۷۲
	لامبدای ویکلز	۰/۷۳۷	۵۲۲/۶۳۵	۳۶/۰۰۰	۱/۲۳۰	۰/۱۷۲
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۳۲۲	۵۵۰/۰۰۰	۳۶/۰۰۰	۱/۲۲۹	۰/۱۷۳
	آزمون بیشترین ریشه روی	۰/۱۵۹	۱۴۲/۰۰۰	۹/۰۰۰	۲/۵۰۳	۰/۰۱۱

بر اساس نتایج جدول (۷) نتایج آزمون مانووا در محله سنگلج همچون محله ضرابخانه در مورد متغیر مستقل (کیفیت دسترسی به خدمات) ملاحظه می‌گردد که مقادیر F در هر ۴ آزمون در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار هستند. همچنین در مورد متغیر مستقل (امنیت) سطوح خطای کمتر از ۰/۰۵ در مورد هر ۴ آزمون اثر این متغیر معنی‌دار می‌باشد. و در مورد تأثیر همزمان دو متغیر مستقل (کیفیت دسترسی و احساس امنیت) بر متغیرهای وابسته (مشارکت، اعتماد اجتماعی، تعلق مکانی و مسئولیت‌پذیری)، طبق ردیف آخر جدول دارای سطح معناداری نمی‌باشد؛ یعنی به صورت یکجا و همزمان تأثیری بر متغیرهای مشارکت، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و تعلق مکانی، ندارد. در پایان به جهت پاسخ به فرض سوم مبنی بر تفاوت‌های دو محله به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی از آزمون T با دو نمونه مستقل استفاده شده است. جهت مقایسه میانگین دو جامعه استفاده می‌شود. در آزمون T برای دو نمونه مستقل فرض می‌شود واریانس دو جامعه برابر است. با توجه به مثبت بودن سطح بالا و سطح پایین می‌توان نتیجه گرفت که میانگین محله ضرابخانه بیشتر می‌باشد.

جدول ۸. نتیجه آزمون T با دو نمونه مستقل بین دو محله ضرابخانه و سنگلج

تفاوت در سطح ۹۵ درصد فاصله اطمینان	پایین بالاترین	میانگین تفاوت‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	آمار آزمون T	آزمون تساوی واریانس‌های لوون F		میانگین انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	محله
						SIG	F					
۰/۸۴۹	۰/۵۰۴	۰/۶۷۷	۰/۰۰۰	۳۱۸	۷/۷۲۵	۰/۰۰۰	۳۱۴/۱۹۴	۰/۲۱۰	۰/۲۵۸	۳/۴۲	۱۶۰	ضرابخانه
۰/۸۴۹	۰/۵۰۴	۰/۶۷۷	۰/۰۰۰	۱۳۴/۱۷۷	۷/۷۲۵	۰/۰۰۰	۳۱۴/۱۹۴	۰/۰۳۵	۱/۰۷۸	۲/۷۵	۱۶۰	سنگلج

با توجه به جدول (۸) می‌توان گفت محله ضرابخانه با میانگین ۳/۴۲ بالاتر از سنگلج با میانگین ۲/۷۵، از پایداری اجتماعی بالاتری برخوردار است بدین معنی که بین دو محله از نظر شاخص‌ها تفاوت معناداری وجود دارد و محله ضرابخانه وضعیت بهتری از نظر پایداری اجتماعی دارد. پایداری اجتماعی با توجه شاخص‌ها و مصداق‌های خود از سطح کلان و کشوری تا سطح محله‌ای و خرد تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌باشد. در سطح کلان رعایت حقوق شهروندی و عدم تبعیض و... باعث افزایش تعلق و در مجموع افزایش پایداری اجتماعی می‌شود. در سطح شهر و محله هم به تبع سطح کلان، پایداری اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌باشد و با توجه متغیرهایی سنجیده می‌شود. در این پژوهش پایداری اجتماعی در دو محله که دارای شرایط نسبتاً متفاوتی می‌باشد بررسی گردید در محله ضرابخانه با توجه به بالاتر بودن سطح امکانات و رضایت از دسترسی به خدمات سبب افزایش ویژگی‌های پایداری اجتماعی در سطح محله شده است همچنین ویژگی‌های فردی مانند سواد و درآمد به طور کلی ویژگی‌های فردی و اجتماعی در افزایش سطح پایداری تأثیر بسزایی دارد. در محله سنگلج که در منطقه مرکزی شهر و پهنه‌ی قدیمی شهر تهران قرار گرفته است که ویژگی‌های بافت محله، عدم دسترسی مناسب به خدمات، امنیت کم و همچنین ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان سبب کاهش سطح پایداری اجتماعی در محله می‌شود. این مفهوم را می‌رساند که در هر دو محله سطح پایداری اجتماعی از یک طرف از ویژگی‌های کالبدی و خدماتی محله، امنیت و از طرف دیگر از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان تأثیر می‌پذیرد این نکته می‌توان اضافه کرد که قدمت محله نتوانسته است به افزایش همبستگی‌های اجتماعی و سطح پایداری اجتماعی در محله سنگلج کمک کند. همچنین نتیجه پژوهش این مطلب را می‌رساند که بالا بردن امنیت و سطح خدمات و امکانات در شهر و محله به افزایش پایداری اجتماعی کمک می‌کند همان طور که در محله ضرابخانه به علت رضایت از سطح خدمات و امنیت، پایداری اجتماعی نیز بالا بوده است.

نتیجه‌گیری

از نیمه دوم قرن بیستم، نمایان شدن مشکلات فراوان زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی در شهرها موجب مطرح شدن بحث توسعه پایدار در مباحث مربوط به شهر و برنامه‌ریزی شهری شده است. از همان ابتدا (۱۹۷۰ م) بعد زیست‌محیطی به عنوان مهم‌ترین بعد توسعه پایدار بیش‌ترین توجه‌ها را معطوف خود کرد؛ و بعد اقتصادی هم به مرور زمان در دهه ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفت؛ اما بعد اجتماعی توسعه پایدار به دلیل ماهیت غیر ملموس و تعریف نشدن شاخص‌های معتبر برای آن مورد غفلت قرار گرفته است در همین راستا در کشور ما نیز تحقیقات بسیار اندکی در مورد پایداری اجتماعی در سطح محلات انجام شده است. بنابراین این پژوهش سعی داشته است به ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در سطح محله ضرابخانه از منطقه ۴ و محله سنگلج از منطقه ۱۲ تهران بپردازد. تفاوت بارز این پژوهش با دیگر پژوهش‌های انجام شده در رابطه با پایداری اجتماعی، مطالعه تطبیقی شاخص‌های پایداری اجتماعی در سطح دو محله با شرایط اقتصادی، کالبدی و.. متفاوت (سایر پژوهش‌های مشابه انجام شده بیشتر به صورت کلی به مقایسه پایداری اجتماعی مناطق یا محلات در سطح کل شهر پرداخته‌اند، لیکن پژوهش حاضر سعی داشت است به صورت جزئی‌تر و به مقایسه شاخص‌های پایداری در سطح دو محله بپردازد) و همچنین بررسی تأثیر متغیرهایی مانند کیفیت دسترسی به خدمات شهری و احساس امنیت بر پایداری اجتماعی در سطح محلات می‌باشد. در واقع در پژوهش‌های دیگر پایداری بدون توجه به مولفه‌های تأثیرگذار بررسی می‌گردید که سعی گردید این نقصان تا حدی در این پژوهش رفع گردد. نتایج پژوهش نشان داد در محله ضرابخانه شاخص مشارکت و تعلق مکانی از حد میانگین پایین‌تر و وضعیت نامناسب دارند و شاخص مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی مناسب می‌باشند، همچنین ساکنین محله ضرابخانه از کیفیت دسترسی به خدمات و امنیت، احساس رضایت دارند. در محله سنگلج نیز تنها شاخص مشارکت از حد متوسط بالاتر و

مناسب است ولی شاخص‌های تعلق مکانی، اعتماد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری از حد متوسط پایین‌تر و نامناسب‌اند، قابل ذکر است، ساکنین محله سنگلج از کیفیت دسترسی با خدمات و امنیت احساس رضایت نداشته‌اند. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به بررسی میزان تأثیر همزمان دو متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته اشاره کرد که نشان داده در محله ضرابخانه متغیرهای مستقل (امنیت و کیفیت دسترسی) به صورت جداگانه بر متغیرهای وابسته (مشارکت، تعلق مکانی، اعتماد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری)، داری اثر معناداری می‌باشد ولی به صورت همزمان داری اثر معناداری نمی‌باشند. در محله سنگلج نیز همچون محله ضرابخانه، متغیرهای مستقل به صورت جداگانه اثر معنی‌داری بر متغیرهای وابسته دارند، اما به صورت همزمان اثر معناداری ندارند. در نهایت، مقایسه شاخص‌های پایداری اجتماعی بین دو محله نشان داد؛ در محله ضرابخانه در مجموع از نظر شاخص‌های پایداری اجتماعی بالاتر از حد متوسط (۳/۴۲) و دارای وضعیت تقریباً مناسب می‌باشد؛ ولی میانگین محله سنگلج در مجموع شاخص‌ها از حد متوسط (۲/۷۵) پایین‌تر می‌باشد و وضعیت مناسبی ندارد.

یافته‌های تحقیق با نتیجه تحقیق شفعی و نجفی (۱۳۹۱)، که در آن منطقه چهار تهران که محله ضرابخانه در آن واقع می‌باشد جزء مناطق با کمترین میزان پایداری اجتماعی و منطقه دوازده تهران که محله سنگلج در آن واقع شده است جزء محلات با بیشترین میزان پایداری اجتماعی می‌باشد، حالت همسویی ندارد. همچنین اختلاف زیاد بین دو محله به لحاظ پایداری اجتماعی، با مطالعه سرائی و دیگران (۱۳۸۹) که در آن بین محلات مختلف شهر نوشهر به لحاظ پایداری اجتماعی اختلاف فراوان وجود داشت، همسو می‌باشد. مقایسه تحقیق حاضر با مطالعه مشکینی و همکاران (۱۳۹۲) که منطقه ۱۲ را جزء مناطق پایدار و منطقه ۴ را جزء مناطق نیمه پایدار می‌داند، همسو نمی‌باشد. همچنین نتایج تحقیق مبنی بر پایین بودن میزان پایداری اجتماعی در بین محلات (۳/۴۲ و ۲/۷۵) با مطالعه تیموری و همکاران (۱۳۹۱) که معتقد بودند وضعیت پایداری اجتماعی در سطح شهر تهران وضعیت مساعدی ندارد و منطقه ۴ تهران را جزء مناطق نسبتاً خوب تهران و منطقه ۱۲ را جزء مناطق نامطلوب تهران به لحاظ پایداری اجتماعی قرار می‌دهد کاملاً همسو می‌باشد.

در مجموع نتایج این تحقیق حاکی از وضعیت مناسب‌تر پایداری اجتماعی محله جدیدتر شهری (ضرابخانه) نسبت به محله قدیمی‌تر (سنگلج) می‌باشد که این نتیجه با مطالعات زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲)، که در آن متوسط نمرات پایداری اجتماعی محلات جدید شهر یزد بالاتر از نمرات پایداری اجتماعی محلات قدیم این شهر می‌باشد، کاملاً همسو می‌باشد.

در جمع‌بندی کلی می‌توان بافت و کالبد نامنظم در محلات قدیمی (در این تحقیق محله سنگلج) که متناسب با حمل‌ونقل و حفظ امنیت در قدیم بوده، امروز یا به دلیل بی‌مهری مسئولان یا به دلیل هویت تاریخی که دارند یا مسائل دیگر، در دنیای شهری مدرن امروزی همچنان دارای همان بافت قدیمی و نامنظم هستند که مشکلاتی از قبیل عدم دسترسی مناسب به خدمات، کاهش امنیت، عدم دسترسی به خدمات حمل‌ونقل عمومی، بی‌هویتی، تجمع بزهکاران، کیفیت نازل محیط‌زیست، استحکام نامناسب مسکن و... و در مجموع عدم انطباق کالبد و فضای اغلب فرسوده این بافت‌ها با نیازهای جدید ساکنان محلی (بومی)، موجب مهاجرت ساکنان از این محلات شده و متأسفانه فرآیند جایگزینی آن به وسیله افراد کم درآمد، مهاجران روستایی و افراد مجرم، انجام می‌شود وجود این شرایط و مسائل در محله بر احساس رضایت افراد از محیط سکونتی تأثیر می‌گذارد به دنبال خود موجب کاهش مشارکت و تعلق مکانی افراد به طور کلی پایداری اجتماعی در سطح محله می‌شود همان طور که در این تحقیق با استفاده از آزمون‌های آماری به این نتیجه رسیدیم که در محله سنگلج احساس امنیت و کیفیت دسترسی به خدمات از نظر ساکنان پایین بوده است که این سطح پایین احساس بر سطح پایداری اجتماعی در محله تأثیر مثبتی دارد و باعث تنزل متغیرهای مانند مشارکت، احساس تعلق مکانی، مسئولیت‌پذیری و اعتماد می‌شود. در مقابل محله ضرابخانه با قرارگیری در بافت منظم و نسبتاً جدید شهر از نظر دسترسی به خدمات و شرایط محیط سکونتی شرایط بهتری دارد که در این مطالعه همانند محله سنگلج با استفاده از

پرسش‌نامه و آزمون‌های آماری احساس مردم از شرایط (کیفیت دسترسی به خدمات و احساس امنیت) و تأثیر آن‌ها را بر پایداری اجتماعی بررسی گردید که نشان داد که در سطح محله ضرابخانه افزایش احساس رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت دسترسی به خدمات و احساس امنیت باعث افزایش سطح شاخص‌های اجتماعی پایداری در سطح محله شده است. نتایج پژوهش گویای این نکته است که بالا بردن سطح خدمات و امنیت به طور کلی بهتر کردن شرایط سکونتی در محلات موجب افزایش پایداری اجتماعی و افزایش مشارکت و مسئولیت‌پذیری در محلات می‌شود که اقدامات مدیریت شهری در محلات را تسهیل و همچنین همبستگی اجتماعی در سطح محلات را افزایش می‌دهد. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر جهت بهبود وضعیت پایداری اجتماعی در سطح محلات مورد مطالعه ارائه می‌شود:

- تقویت زمینه‌های مشارکت مردم در طرح و فعالیت‌های همگانی در سطح محله با تأکید بر نظر خواهی از شهروندان قبل از اجرای طرح‌ها در سطح محلات.
- تقویت اعتماد مردم به عملکرد سازمان‌ها و نهادها و مسئولین محله.
- برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها مختلف در سطح محلات بخصوص محله سنگلج به منظور رسیدگی به مشکلات محله و همچنین تقویت حس تعلق مکانی بین ساکنین و درنهایت تقویت مسئولیت‌پذیری افراد از طریق آگاه کردن ساکنان.
- بهبود خدمات و زیرساخت‌های شهری در محله سنگلج.
- ایجاد زمینه‌های ارتباط مستقیم بین شهروندان و سازمان‌های دولتی در هر دو محله.
- بهسازی و نوسازی بافت فرسوده در سطح محله سنگلج جهت زمینه افزایش تعهد و تعلق افراد به محله را افزایش دهد.
- برنامه‌ریزی در جهت کاهش ورود مهاجران به محلات، جهت افزایش انسجام و اعتماد اجتماعی بین ساکنین
- تقویت احساس امنیت در سطح محلات بخصوص محله سنگلج، از طریق اقداماتی نظیر حذف نقاط کور، افزایش حضور پلیس، تقویت حضور مردم در سطح محله جهت افزایش نظارت طبیعی و....).

References

1. Barron, L., & Gauntlet, E. (2002). WACOSS housing and sustainable community's indicators project. *In Sustaining our Communities International Local Agenda 21 Conference*, Adelaide (3-6).
2. Bavand engineers consulting. (2007). *Detailed project report district 12. (in Persian)*
3. Colantonio, A. (2012). Concept social sustainability and its theoretical framework, From the Proceedings of the work EIBURS. Translator: Bahmanpour, S, Online magazine *Renovation*, 4 (32), 1-16. (in Persian)
4. Davidson, M., & Dolnik, F. (2007). *A Planners Dictionary*. American planning Association
5. Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2011). The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sustainable development*, 19 (5), 289-300.
6. Dempsey, N., Brown, C., & Bramley, G. (2012). The key to sustainable urban development in UK cities the influence of density on social sustainability. *Progress in Planning*, 77 (3), 89-141.
7. Drakakis-Smith, D. (1995). Third World cities: sustainable urban development. *Urban Studies*, 32 (4) (5), 659-677.
8. European Institute for Urban Affairs (eds). (2007). *the COMPETE Network: Final Report Messages for Competitive European Cities*. Liverpool: European Institute for Urban Affairs.

9. Ferozandeh, M. (2013). New Urbanism and strategies to revive the old urban tissue, case study: Sanglaj neighborhood of Tehran. *Online magazine Renovation*, 4, (32), 1-16. (in Persian)
10. Habibi, M., & masaeli, S. (2009). *Per capita urban land*. Publications National Land and Housing Organization. Tehran. (in Persian)
11. Hosseini, H. (2014). Analysis and Assessment of Urban Social Sustainability in Nowshahr City. *Journal Management System*, 4, (12), 57-71. (in Persian)
12. Johnston, R.J. (2001). *The Dictionary of Human Geography*. USA: Blackwell Publishers.
13. Khodabandeh Country Rurals in Central Part. *Journal of Rural Research*, 1, (1), 1-31. (In Persian)
14. Kytta, M., Broberg, A., & Haybatollahi, H. (2015). context-sensitive study of the social sustainability of urban settings. *Environment and Planning*, 47, 1-24.
15. Martin, P.J. (2001). The Social Dimensions of Sustainable Development, Brussels. Speech delivered to the Conference on "The European Social Agenda and the EU's International Partners".
16. Meshkini, A., Borhani, K., & Shaebanzadeh, R. (2013). The spatial analysis of urban social sustainability (Case study: 22 districts of Tehran). *Geography (International Journal of Iran Geographic Society's)*, new course, 11 (39), 186- 211. (in Persian)
17. Najafi, Gh., Jomehpoor, M., Shafia, S.(2013). Evaluation of relationship between density and social sustainability in Tehran Municipality's regions. *Geography and Environmental planning*, 23, (4), 185-200. (in Persian)
18. Nasiri Majd, S. (2014). *social sustainability in urban planning*, Rihani Publishing. first edition, Gorgan. (in Persian)
19. Popson, N. E., Ruble, B. A. (2001). A test of urban social sustainability: societal responses to Kyiv's " non-traditional" migrants. *Urban Anthropology and Studies of Cultural Systems and World Economic Development*, 381-409.
20. Rahnamei, M., Farahodi, R., Ghalibaf, M., & Hadipour, H. (2009). evolution of Structural and functional neighborhoods in cities. *Journal of the Iranian Geographical Association (new period)*, 5, 19-43. (in Persian)
21. Sachs, I. (1999). Social sustainability and whole development: exploring the dimensions of sustainable development, *Sustainability and the Social Sciences: Across- disciplinary approach to integrating environmental considerations into theoretical reorientation*, 25-36.
22. Saraei, M.H., Rosta, M., Mirjalili, E., & Asadi, A. (2012). Evaluation of Social sustainability neighborhoods in Jahrom city. *Journal of geography and urban planning perspective Zagros*, 5 (15), 131-146. (in Persian)
23. Saraei, M.H., Lotfi, S., & Ebrahimi, S. (2011). Evaluation and assessment sustainability of the development of Neighborhoods in Babolsar city. *Journal of Research and Urban Planning*, 1, (2), 37-60. (in Persian)
24. Taimouri, E., Farahodi, R., Rahnamae, M., & Gharakhlo, M. (2012). Evaluation of Social stability using fuzzy Technique. *Journal of the Iranian Geographical Association*, 10, 19-39. (In Persian)
25. Torjman, S. (2000). *The social dimension of sustainable development*. Toronto: Caledon Institute of Social Policy.
26. Woodcraft, S. (2004). Social Sustainability and New Communities: Moving from concept to practice in the UK. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 68 (29).
27. www.region4.tehran.ir

28. Zarea Sh. A. A., Hajizadeh, M., & Zareh, KH. (2012). Evolution of Social stability between old and new neighborhoods of the city of Yazd. *Studies Journal of Urban Sociological*, 3, (7), 105-134. (in Persian)
29. Zarghami, E.(2011). The social sustainability principals of residential complexes in the Iranian-Islamic cities. *Quarterly Journal of studies on Iranian Islamic city*, 2, (1), 103-115. (in Persian)
30. Ziari, K., Mahdnejad, H., & Parhiz, F. (2010). *Principles and techniques of urban planning*. Chabahar International University Press, First Edition. (in Persian)



On the Evaluation of Neighborhood's Social Sustainability (Case Study: Sanglaj and Zarrabkhaneh Neighborhoods of Tehran)

Zyari K.

Prof., Dep. of Geography faculty, Tehran University, Tehran, Iran

Farhadikhah¹ H.

M. A. Student, Geography and rural Planning, Geography faculty, Tehran University, Tehran, Iran

Arvin M.

Ph.D. Candidate, Geography and rural Planning, Geography faculty, Tehran University, Tehran, Iran

Received: 25/04/2016

Accepted: 04/12/2016

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

In the last two decades, the concept of social sustainability has become one of the new models of development and has combined with the social, economic, ecological and political dimensions of development. The components which are called (dimensions) or (bases) of sustainable development. And the local social researchers have considered it differently base on their own point of view. In point of fact, topics related to the sustainable development at first were purely focused on ecological problems, then paying attention to economic issues were involved. The social issues on the topics' agenda related to (sustainability) were considered in the late 1990s. Social sustainability conditions that its main components are manifested in welfare, equality, social security and social capital, is not suitable in Tehran metropolis urban regions which face with numerous problems such as air pollution, noise pollution, traffic problems, housing shortages, lack of services, per capita, urban installations and facilities, poverty and social abnormalities, etc. In addition, conditions of different regions in Tehran have significant differences in terms of social sustainability indexes. For this reason, the objective of this study is to evaluate and compare the social sustainability between neighborhoods of Sanglaj (district 12) and Zrrabkhaneh (district 4) in Tehran.

Methodology

In terms of the objective and method, this study is applied and descriptive-analytical research, respectively. The library and survey (questionnaire) method were used to collect data. The studied area is neighborhoods of Sanglaj (district 12) and Zrrabkhaneh (district 4) in Tehran. To achieve research objectives, the hypotheses were considered as follows:

Hypothesis 1: It seems that social sustainability indexes are at good condition in Sanglaj and Zrrabkhaneh neighborhoods.

Hypothesis 2: It seems that access quality to services and security impact on the variables of place attachment, responsibility, social trust and participation in tow neighborhoods.

Hypothesis 3: It seems that in terms of social sustainability indexes, there is a significant difference between Sanglaj and Zrrabkhaneh neighborhoods.

The population belong to Sanglaj and Zrrabkhaneh neighborhoods were 27581 and 25000 people, correspondingly. The sample size was 320 by using Cochran formula and a confidence

level of 95% in both neighborhoods. Considering the same sample size of the both neighborhoods, an equal number of 160 questionnaires were distributed randomly among residents of each neighborhood. To determine the validity and reliability of the questionnaire, the Cronbach alpha formula was used. The reliability level of the questionnaire was 0.880 and 0.760 in Zarrabkhaneh and Sanglaj neighborhood, respectively and to analyze data one sample T-test, Manova Test and independent-Sample T-test were used in software SPSS software 21.

Result and Discussion

The results of the study showed that in the Zarrabkhaneh neighborhood, indexes of participation and place attachment and also, the indexes of responsibility and social trust are at lower than mean and unsuitable conditions and also, are at higher than mean and suitable conditions, in turn. Also, residents of the Zarrabkhaneh neighborhood are satisfied with the quality of access to services and security. In the Sanglaj neighborhood, only the indexes of participation are higher than mean but the indexes of place attachment, social trust and responsibility are lower than mean and inappropriate. As well as residents of the Sanglaj neighborhood are not satisfied with accessing the quality of services and security. Other results of this research can be mentioned as the studying the effect of two independent variables on the dependent variables, simultaneously. The results show that the independent variables (security and quality of access) have a significant effect on dependent variables (participation, place attachment, social trust and responsibility) in the Zarrabkhaneh neighborhood, separately. But, these indexes do not have a significant effect simultaneously. In the Sanglaj neighborhood like the Zarrabkhaneh, the independent variables have a significant effect on dependent variables, separately, but do not have a significant effect, simultaneously. Other results of this study were the comparison of social sustainability indexes between the two neighborhoods in which, the results show that both neighborhoods have social sustainability indexes higher than mean (3), suitable situation, and a close to each other mean (Zarrabkhaneh 3.42 and Sanglaj 2.75), but the Zarrabkhaneh neighborhood's condition is better than the Sanglaj neighborhood's one, generally.

Conclusion

According to the indexes and confirmed examples of macro and national level to neighborhood and micro level, the social sustainability is under the influence of several factors. In the macro level, non-discrimination and..., it totally causes increasing in belonging and social sustainability. In this study, the social sustainability was considered in the two neighborhoods in which, respecting the citizenship rights has a rather different circumstance. In the Zarrabkhaneh neighborhood due to the higher level of facilities, satisfaction of access to services has increased the social sustainability features at the neighborhood level. Similarly, personal characteristics such as literacy, income and generally, personal and social characteristics, has an important role to increase the level of sustainability. In the Sanglaj neighborhood which is located at the central part of the city and old zone of Tehran city, neighborhood texture features, lack of adequate access to services, low security as well as social and economic characteristics of resident's because falling the level of social sustainability in the neighborhood. To understand this concept that in both neighborhoods, level of social sustainability is affected by the physical, service characteristics and security of neighborhood on the one hand, and by the economic and social characteristics of residents on the other hand. This point can be added that the antiquity of neighborhood could not help to increase social solidarity and sustainability level in the Sanglaj neighborhood. The results also show that raising the level of security and services in the city can help to increase social sustainability. As in the Zarrabkhaneh neighborhood, the higher satisfaction of the service and security level, the higher social sustainability can be observed.

Key Words: Sustainable Development, Social Sustainability, Neighborhood, Tehran